



برای اشتغال حتما
به صورت حضوری به
شرکت‌ها و مؤسسات
معتبر داخلی مراجعه
یا از طریق آزمون‌های
استخدامی که از
طریق صداوسیما
یا رسانه‌های چاپی
کثیرالانتشار اعلام
می‌شود، اقدام کنید



شگرد مجرمان سایبری برای خالی کردن حساب بیکاران

کلاهبرداری که سرکار می‌گذارند

سایت‌های کاریابی قابل اعتماد نیستند



سرهنگ مهدی قاسمی، رئیس پلیس فتای بوشهر با تاکید بر این که پلیس فتا به طور شبانه‌روزی در جهت ایمن سازی فضای سایبری تلاش می‌کند و اقدامات خود را ارتقا می‌بخشد، اظهار کرد: «از بارگذاری تصاویر اوراق هویتی و مدارک شخصی خود در اینترنت به خصوص سایت‌های خارجی، به دلیل احتمال سوءاستفاده مجرمانه خودداری کنید. سایت‌های کاریابی، محیط قابل اعتمادی برای درخواست اشتغال نیست و حتما قبل از بارگذاری اوراق هویتی و واریز پول، در خصوص اصالت هویت و اعتبار شرکت‌ها و حتی ایمیل‌های ارسالی تحقیق کنید. ضمن این که قبل از انجام هر عملیات بانکی یا واریز وجوه، از اصالت درگاه بانکی مطمئن شوید.

توصیه‌مان به شهروندان جویای کار این است که برای اشتغال حتما به صورت حضوری به شرکت‌ها و مؤسسات معتبر داخلی مراجعه یا از طریق آزمون‌های استخدامی که از طریق صداوسیما یا رسانه‌های چاپی کثیرالانتشار اعلام می‌شود، اقدام کنید.

بارها درباره تله فیشینگ هشدار داده‌ایم و شهروندان باید به این هشدارها جدی‌تر نگاه کنند. در این روش برای پرداخت واریزهایی به مبلغ کم، کاربر به درگاه جعلی هدایت می‌شود و از این طریق اطلاعات بانکی اش هک شده و بعد از آن برداشت می‌کنند.

کنم. بعد از ثبت نام و پرکردن فرم استخدام، اوراق هویتی ام مثل عکس و شناسنامه را در آن بارگذاری کردم. بعد از پر کردن فرم، یکی از کارشناسان در چت آنلاین گفت کاری که قرار است برام پیدا کنند حقوقش بر مبنای وزارت کار است و بیمه و عیدی و سنوات هم دارد. از این بهتر دیگر چه چیز می‌خواستم. تمام شرایط را قبول کردم و بعد بر اساس شرایط سایت باید ۱۰۰ هزار تومان به حساب سایت واریز می‌کردم. امین که تصور می‌کرد روال کار همین‌طور است، با خودش فکر کرد بقیه کسانی هم که به سایت‌های کاریابی مراجعه کرده‌اند، همین پول را پرداخت کرده‌اند. بنابراین از طریق یک درگاه بانکی ۱۰۰ هزار تومان به حساب سایت واریز کرد. بعد از واریز پول به امین اعلام کردند مشخصاتش را به چند شرکت فرستاده‌اند و در یکی دو روز آینده مشغول به کار خواهد شد، اما دقایقی بعد و بعد از واریز پول متوجه شد به جای صد هزار تومان کل موجودی اش در بانک که ۳۰۰ هزار تومان بود، خالی شده است. چند بار در چت آنلاین سایت کاریابی سعی کرد با کارشناسان ارتباط برقرار کند و موضوع برداشت بیش از حد از حساب بانکی اش را با آنها در میان بگذارد، اما هیچ یک جواب ندادند و به پلیس فتا مراجعه کرد تا از آدم‌هایی که هیچ شناختی از آنها نداشت، اما به حساب‌شان پول واریز کرده بود، شکایت کند. حالا درد ۳۰۰ هزار تومان کلاهبرداری هم به سایر دردهای دیگر امین اضافه شده بود.

برای بیکارها، داشتن یک کار و درآمد ثابت، یکی از خوشبختی‌هاست، خوشبختی که سه سال است از آشیانه کوچک امین ۳۵ ساله پرکشیده و حالا او مانده و باری از قسط‌های عقب مانده‌ای که روی دوش‌های مردانه‌اش سنگینی می‌کند. کارگر خدمات است، اما از وقتی شرکت قبلی تعدیلش کرد، زندگی عادی‌اش بهم خورد. نه حساب و کتاب و خرج و مخارج روزانه‌اش سرچایش است و نه می‌تواند کار دیگری پیدا کند. دست به هر کاری زد، به قول خودش یا ورشکست شد و حقش را خوردند یا سرش کلاه گذاشتند. از صبح تا شب گوشه‌ای می‌نشیند و فقط خودخوری می‌کند. «روزی نیست که به خودم لعنت نفرستم. اگر غیرت و عقل نداشتم، حداقل خیالم راحت بود که بی خیال عالمم، اما این‌طور نیستم و نمی‌توانم هم باشم. به خیلی جاها برای کار مراجعه کردم، اما دست از پادار زتر به خانه برگشتم. همه گفتند به کارمند خانم نیاز داریم. دوره‌های متعدد مهارتی هم گذرانده‌ام، ولی هیچ کدام بازار کار مناسبی نداشتند. شغل‌های زیادی تجربه کرده‌ام. شاید باورتان نشود، حتی دستفروشی هم کرده و توالف شسته‌ام، اما ماندگار نشدم و دوباره بیکار شدم. مدتی پیش تصمیم گرفتم دوباره دنبال کار بروم. شنیده بودم سایت‌های کاریابی هم به بیکاران در پیدا کردن کار کمک می‌کنند، تصمیم گرفتم شانسم را آنجا هم امتحان کنم. وارد یکی از سایت‌های کاریابی شدم تا ثبت نام

از آلمان که برگشتم

دیدم همسرم فرار کرده است!

فوق العاده

در این بخش به اخبار و خاطرات جالب حدود ۵۰۰ سال پیش پرداخته می‌شود. اخباری که از نظر نگارگر تیرت و محتوا بسیار متفاوتتر از اخباری است که این روزها امروزنامه‌ها چاپ می‌شود.

«همسر در غیاب من که به آلمان سفر کرده بودم با جوانی طرح دو سستی ریخت و با او به اهواز گریخت. این جوان همسر را به کارهای خلاف و ادا کرده و حالا دو کودک خردسالم بدون مادر مانده‌اند و از خانواده‌های نیکو کار بدون فرزند خواهش می‌کنم آنها را به فرزندی قبول کنند؛ چون من کارم تجارت و سفر دائمی به خارج است و از نگهداری فرزندانم عاجز هستم...»

این استمداد مردی است ۴۶ ساله که اهل رشت است و برای سپردن دو فرزندش به یک یا دو خانواده نیکو کار از دایره مددکاری مجله جوانان کمک خواسته است.

این مرد گفت: من ۲۵ سال پیش با همسر اولم ازدواج کردم. از او صاحب ده فرزند شدم. هفت سال قبل با زنی که ۲۶ سال داشت آشنا شدم و با موافقت زن اولم او از دو اوج کردم و از او نیز صاحب دو فرزند شدم که یکی پسر پنج ساله و دیگری دختر دو ساله است.

وی اضافه کرد: من شغل تجارت است و مرتباً به آلمان می‌روم و از آنجا جنس برای فروش و ارد می‌کنم. چهار ماه پیش وقتی از سفر برگشتم دیدم از زینت اثری نیست. دو ماه برای یافتن او تلاش کردم اما موفق نشدم. داشتم ناامید می‌شدم که یکی از آشنایان به من خبر داد که زینت عاشق جوانی شده و با او به اهواز فرار کرده و اینک در محله‌ای به کار خلاف کشیده شده است. فوراً راهی اهواز شدم و زنم را پیدا کردم اما او حاضر به ترک آنجا نشد و شکایت من به دادسرا و کلانتری محل نتیجه‌ای نداد. زینت گفت که معشوق او را فریب داده و به بیانه بردن او به آلمان و یافتن کار برای وی، او را به اهواز آورده و مجبور به خلاف کرده است. در این دو ماه به زحمت توانستم از دو فرزندم مراقبت کنم اما دیگر قادر به ادامه این وضع نیستم و حاضر آنها را به خانواده‌های شریف و نجیب بسپارم و تعهد می‌دهم که هیچ گاه مزاحمتی برای این خانواده‌ها فراموش نکنم و آنها حق داشته باشند به نام خودشان بر ای بچه‌هایم شناسنامه بگیرند.

مجله جوانان

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۷

نظرات خوانندگان

❖ اشکان شیرازی تهران: چرا این آگهی‌ها از تپش دست بردار نیست. هر هفته یک مطلب جذاب به خاطر این آگهی‌ها باید حذف شود.

❖ تپش: همان‌طور که پیش از این اعلام کردیم، آگهی‌ها مربوط به بخش دیگری است و تحریریه در آن نقشی ندارد.

❖ جواد عباسیان از اصفهان: صفحه هوش سیاه و یک پرونده یک هشدار این هفته خیلی جذاب و خواندنی بود. از شما درخواست دارم با رویکرد داستانی به مطالب نگاه کنید. ستون مکافات هم آموزنده بود.

❖ ژاله از بندعباس: وقتی به اطرافیان نگاه

می‌کنم، می‌بینم که زندگی‌های مشترک چقدر متزلزل شده و زوج‌ها سر هر موضوع کوچکی به طلاق فکر می‌کنند.

از شما خواهش دارم به علل طلاق بیشتر توجه کنید؛ این رویه باعث می‌شود جوانان از ازدواج فراری شوند، چرا که آخر آن را طلاق می‌بینند.

از طرفی بزرگ‌ترها به جای این که زوج‌ها را آرام کنند، آتش بیار معرکه شده‌اند.

❖ تپش: به این موضوع هر هفته در صفحه خانواده پرداخته می‌شود.



عکس هفته

مصدومیت شدید ۴ نفر در

تصادف ۲ خودروی سواری با

کامیون در جاده ورامین